وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۳۱ چهارشنبه ۸ دلو ۱۳۸۲ ۶ ذوالحجة ۱۴۲۴ - 28 January 2004

کارکنان جریدۀ مجاهد فرارسیدن عید سیعد قربان را به همه هموطنان عزیز و کافۀ ملت مسلمان تبریک و تهنیت عرض می دارند.



عرفات، نماد یک رنگی و رنگ باختگی
تمایز ها و تفاوتها

احکام ومسائل قربانی

سید ناصر تقدسی

قربانی یکی از سنتهای ارزشمند و دیرینۀ اسلامی است که ریشه در ژرفای تمام ادیان الهی دارد و قدامت این سنت بزرگ، همپای تاریخ آفرینش انسان در گسترۀ زمین است. انسان در برهه های مختلف تاریخ برای ابراز عقیدت، ایثار، جان نثاری و سرسپردگی به پیشگاه معبود خویش خواه حق ویا باطل به اشکال گوناگون قربانی کرده است، وزمانی که اسلام به عنوان آخرین دین، از افق مکه بر بشریت تابید، سنت قربانی را از قالب های ناروا و اشکال خرافی آن بیرون نمود و آن را ویژۀ آفریدگار هستی قرار داد.

نخستین قربانی درتاریخ

اولین قربانی در تاریخ بشر قربانی دو فرزند حضرت آدم علیه السلام هابیل و قابیل است که به منظور حل معضلۀ ذات البینی شان به این کار مأمور شدند ص۸

قانون اساسی جدید کشور توشیح شد

متن توشیح شده با متن تصویب شده تفاوت دارد

دوشنبه ۶ دلو طی یک مراسم رسمی در قصر ریاست جمهوری در کابل، قانون اساسی جدید افغانستان پس از ۲۱ روز از پایان کار لویه جرگۀ تصویب قانون اساسی توسط رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به امضا رسید.

هر چند قانون اساسی جدید بر پایۀ مفاد همین قانون از روز تصویب آن در ۱۴ جدی ماه گذشته به عنوان قانون مرعی الاجرا تلقی می شده است ولی توشیح آن نیز از حیثیت قانونی برخوردار است.

پس از پایان لویه جرگۀ تصویب قانون اساسی در ۱۴ جدی در تأخیر توشیح آن گفته می شد که قانون اساسی پیش از توشیح نیاز به باز نگری ادبی و اتقان نوشتاری دارد ولی در نسخۀ توشیح شده در مقایسه با نسخۀ مصوب اعلان شده در روز ۱۴ جدی تفاوتهایی چند دیده می شود:

در اخیر مادۀ شانزدهم یک فقره به این عبارت افزوده شده است: "مصطلحات علمی واداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد"

در مادۀ پنجاهم نسخۀ ۱۴ جدی آمده است: " دولت مکلف است به منظور ایجاد ادارۀ سالم وتحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور بعد از تصویب شورای ملی تدابیر لازم اتخاذ نماید". در نسخۀ توشیح شده عبارت" بعد از تصویب شورای ملی" حذف شده است.

در نسخۀ نخست در مادۀ شصت وچهارم، بند یازدهم آمده است" ... تعیین وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی و رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تصویب ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها". در متن توشیح شده واژۀ "تصویب" به تأیید تبدیل شده است.

بسیاری از نمایندگان در روز پایان لویه جرگه وپس از آن نیز گفتند که به نظرات آنان در برخی از موارد بسیار مهم و حساس توجه نشده است، اما معلوم نیست که آنان پس از وقوف بر این تغییرات چه خواهند گفت.



پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت فرا رسیدن عید سعید اضحی

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان گرامی، خواهران و برادران مؤمن و خدا پرست!

فرا رسیدن عید سعید اضحی را به فرد فرد شما مردم سرا فراز این کشور تکبیر شعار که از آموزۀ قربانی، قربانی به خاطر دین و وطن را آموخته اید، تبریک وشادباش می گوییم و آرزومندیم که این روزهای خجسته را که خاطره و یادواره یی از یک قربانی بزرگ در درازای تاریخ انسانی است، با تکبیر و تهلیل در رفتن به عید گاه و دلجویی از بیچارگان و پدر مردگان و ناداران و زدودن کینه ها سپری نمایید.

فلسفۀ اعیاد در اسلام گذشته از آن که منادیی از برابری، تعاون وهمه شمول بودن خوشی وتمتع از لذائذ زندگی است همانا تقدیر از پیروزیی است که انسان در برابر غرائز و خواسته های نفس، حب مال و فرزند و جاه بدست آورده است و عید قربان والاترین یاد واره یی از این پیروزی است. مسلمانان به پیروی از سنت نیای بزرگ یکتا پرستی ابوالانبیا حضرت ابراهیم خلیل الله که در آزمون بزرگ الهی آماده شد و پسر دلبند خویش را به قربانگاه برد، هر سال به ذبح گوسفند، گاو واشتر می پردازند و از گوشت و پوست آن از واماندگان وارسی نمایند.

یقیناً فلسفۀ قربانی به فرمودۀ خداوند که گفته است (لن ینال الله لحومها ولا دماؤها ولکن یناله التقوی منکم) همانا تقوی بوده ومسلمانان وجیبه دارند تلاش نمایند که در چه حدی با قربانی های خودنفس های خود را از آلودگی ها پالوده کرده اند. امسال ما عید قربان را در شرایطی برگزار می کنیم که قانون اساسی جدید افغانستان توشیح گردیده است. اکنون مردم ما منتظر آنند که دولتمردان آنان تا چه حدی آمادۀ قربانی خواسته های شخصی، قومی و گروهی خویش در برابرخواست و ارادۀ ملی ومصالح علیای کشورند.

در اخیر یک بار دیگر فرا رسیدن عیدسعید اضحی را به همه ملت مسلمان و تکبیر خوان خویش تبریک می گوییم و از خداوند منان به دست دعا نیاز می بریم که به همۀ ماتوفیق ارزانی نماید که از پدر مردگان دلجویی و از فقیران وبیچارگان پذیرایی نماییم.

عیدتان مبارک و همه روزتان عید باد

متن قانون اساسی پس از توشیح

ص ۳

قدرت ته درسیدو لار د خلکو ملاتړ ترلاسه کول دي

پامیر

دجمعیت اسلامي دمشر استاد برهان الدین رباني له هغي مرکي څخه چي دجدي دمیاشتي په 18 نیټه ئي د بي.بي.سي. له خبریال سره وکړه په ډاګه څرګندیږي چي استاد دخپل ګوند دملي کړنلاري له مخي په راتلونکي کي په خلکو او پارلمان ډاډ، خپله ستراتیژي او دملي اردو دجوړولو، د وسلو دراټولولو او دامنیت له پیاوړتیا سره ئي ملاتړ ضروري بللي زیاته کړي ئي ده:

"موږ په خلکو تکیه لرو، که په خلکو زموږ تکیه نه وي دومره اوږده مبارزه خو ګرانه وه. دا دملت ملاتړ و، چي موږ دغه مبارزه سر ته ورسوله او ادامه مو ورکړه. اوس موږ مل په سلو کي موافق یوو چي ددفاع وزارت دپیاوړتیا په خاطر زموږ کسان خپله وسله تسلیم کړي او سیاسي، فرهنګي مبارزه وکړي، زه طرفدار نه یم چي څوک دوسلي په زور خان په خلکو وتپي..."

که موږ د جمعیت اسلامي ګوند دمشر دغه عالمانه نظر او صادقانه خبري وڅیړو نو ضرور دي نتیجي ته رسیږو چي دي، قدرت ته درسیدو لاره یواځي دخلکو په رضایت او ملاتړ کيویني. دوي تل دا سپارښتنه کړي چي له خلکو سره دي هر اړخیزي مرستي وشي، دهغوي دستونزو او دردونو درملنه دي وشي.

۸مخ

در یک حمله تروریستی در غرب کابل

یک سرباز کانادایی و یک شهروند افغانی کشته شدند

این حمله در غرب کابل نزدیک پایگاه نیروهای کانادایی رخ داده است. همچنان در این حمله سه کانادایی و نه تن افغانهای غیر نظامی زخمی گردیده اند. به گفتۀ منابع پولیس بم گذار انتحاری مواد منفجرۀ همراه خود را در کنار دو موتری که در برابر قرارگاه کانادائیان موقعیت داشت منفجر ساخت.

مسؤول دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان در این رابطه گفت: "ما این حمله تروریستی را شدیداً محکوم می کنیم و به خانواده های این قربانیان ابراز تسلیت و همدردی می نماییم."

مجاهـــد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

قانون اساسی از تسوید تـــا توشیح

یک قانون اساسی عدالتمند در هر کشوری به مثابهٔ شیرازهٔ نظم و زندگی مدنی تلقی شده است ولی اهمیت آن در افغانستان که دوره های دراز استبداد و ستم و سالیان دشوار بحران را سپری کرده است بیشتر از جای های دیگر آشکار است. برای همین اهمیت بلند قانون اساسی در جامعهٔ نوین افغانستان بود که یکی از وظایف مهم دورهٔ انتقالی در موافقت نامهٔ بن تدوین و تصویب آن تبیین شده است.

کار تسوید و تدقیق قانون اساسی یک سال تمام را در بر گرفت، از ۱۲ عقرب ۸۱ آغاز شد و مسودهٔ آن در ۱۲ عقرب ۱۳۸۲ منتشر گردید. در طول این یک سال دولت مورد اعتراضاتی شدید قرار داشت که در کار کمیسیون های تسوید و تدقیق یک جانبه عمل می کند و دیدگاه ها و نظریات مردم را در مسودهٔ قانون جای نمی دهد، و حتی کار به جایی رسید که دولت مسودهٔ بر آمده از کمیسیون تدقیق را نیز نپذیرفت بل خود به خواست خویش به تعدیل آن دست یازید.

سرانجام این مسوده در لویهٔ جرگه تصویب قانون اساسی که ۲۲ روز (۲۲ قوس تا ۱۴ جدی) را در بر داشت مورد بحث قرار گرفت. نمایندگان انتظار داشتند که در یک فضای دموکراتیک مسائل آن را به بحث می کشند ولی دولت به لطایف الحیل و در بسیاری از موارد به اصرار و فشار تلاش ورزید تا خواسته های خود در تصویب قانون به کرسی بنشاند به گونه یی که در پایان کار لویه جرگه برخی از موارد اتفاقی و دارای اکثریت پس از اعلان قبول از سوی رئیس لویه جرگه در قانون اساسی نیامد.

بسیاری از نمایندگان آرزو داشتند که خواسته های آنان در توشیح ملحوظ قرار خواهد گرفت، اما کار توشیح چنان که آشکار شده است از کار تسوید و تدقیق و تصویب بهتر از آب به در نیامده است. افزون بر آن دشواری های پیشین چند مورد بسیار مهم در دروان توشیح (۲۱ روز پس از تصویب) دستکاری و مواردی افزون وحذف شده است :

- افزودن یک فقره در مادهٔ شانزدهم به این عبارت "مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد"

- از مادهٔ پنجاهم عبارت " پس از تصویب شورای ملی" حذف گردیده است.

- در مادهٔ شصت و چهارم بند یازدهم عبارت "... به تصویب ولسی جرگه ..." به "تأیید ولسی جرگه" تبدیل شده است.

اینها از جملهٔ مواردی است که در دورهٔ توشیح دچار تغییر شده است والبته به هیچ وجه شامل ویراستاری ادبی و زبانی نمی شود و نیز نیازی به استدلال به داشتن بار محتوایی آنها نیست.

این تصرفات غیر قانونی دولت در دوران توشیح در قانون اساسی نشان می دهد که دولت نمی خواسته است به ارادهٔ مردم و نمایندگان آنان احترام بگذارد و قصدش از جمع آوردن آنان در لویه جرگه به سان لویه جرگه های پیشین خندیدن به ریش نمایندگان و مشروعیت گرفتن به خواسته های از پیشین ساخته شده بوده است.

این کار دولت به صراحت صداقت آن را در رشد وتوسعه دادن به مردم سالاری وساختن جامعهٔ مدنی و حیات سیاسی مبتنی بر ارزشهای دموکراسی شدیداً آسیب می رساند و ملت افغانستان و نمایندگان آنان را در لویه جرگه در انظار جهانیان بسیار بی ارزش می سازد. اکنون هم تا فرصت از دست نرفته است دولت باید با تصحیح و زدودن این تصرفات در قانون اساسی راهی تازه از بحران بی اعتمادی بین مردم و دولت را نگشاید.

بازسازی شفافیت و حسابدهی!

فریادی

(متخصصان) محترم هر زمانی که از بودجه و مصرف و بازسازی و خلاصه هر مساله یی که به پول و مسائل مالی رابطه دارد سخن می گویند، بر اصطلاح (شفافیت) و (حسابدهی) تأکید می ورزند.

تردیدی نیست که شفافیت در مسائل مالی بخصوص در کشوری چون افغانستان که پس از سالهای طولانی جنگ، اینک در مرحلهٔ بازسازی قرار گرفته است بسیار مهم و حیاتی است تا منابع مالی یی که با زحمت زیاد و پس از انتظاری بس طولانی و دردناک به این کشور کمک می شود به هدر نرود و ما بتوانیم به مراجعی که کمک می کنند حسابدهی شفاف داشته باشیم که کمک ها به کجا رفته است. آقای اشرف غنی احمد زی وزیر مالیه هم در ارایهٔ گزارش به لویه جرگه گفت که (بدون شفافیت، مؤثریت، و حسابدهی نمی توانیم به جایی برسیم). اما سوال اینجاست که کشور های دیگر از ما حساب می خواهند اما از کشور های کمک دهنده یی که خود، کمک های خود را به مصرف می رسانند ما چگونه و با کدام زور خواستار شفافیت و حسابدهی گردیم؟

در لویه جرگه این سوال مطرح شد که از حدود دو میلیارد دلار پولی که به افغانستان در مدت دوسال گذشته کمک شده باید حساب داده شود و آقای احمد زی هم به زعم خودش با (شفافیت) (حسابدهی) فرمود!

در گزارش ارایه شده از جانب وزیر مالیه آمده بود:

... ایالات متحدهٔ امریکا یک اعشاریه هشت بلیون دلار تعهد کرده بود که از آن نهصد و شش میلیون دلار تا حال اجرا شده است. سرک کابل قندهار مهمترین دست آورد این کمک است...

... سرک کابل قندهار مستقیما از طرف مؤسسهٔ کمک بین المللی ادارهٔ امریکا اداره شد و شرکت (لویز برگر) را آنها بحیث اداره کنندهٔ این پروژه استخدام کردند. (یعنی داوطلبی در کار نبوده است).

باز سازی سرک کابل قندهار دست آوردی بود که محترم کرزی جمعی از وکلا را نیز به تماشای آن برد و ما به عنوان مثال همین پروژه را مورد ارزیابی قرار می دهیم تا ببینیم اصل شفافیت و حسابدهی در این پروژه تا چه حد رعایت شده است.

اکنون ببینیم که کار تعمیر این سرک چگونه آغاز و با چه مصارفی تکمیل شده است

طول مجموعی این شاهراه آن گونه که روزنامهٔ هیواد در شمارهٔ مؤرخ ۲۶ قوس خود نوشته است ۳۸۹ کیلو متر است و مصارف آن که از طرف امریکا و جاپان پرداخت گردیده مبلغ دوصد و هفتاد میلیون دلار است.عرض جاده هفت متر قیر ریزی گردیده است. اگر مصارف را بالای هر کیلو متر جاده تقسیم نماییم در هرکیلومتر تقریبا ۶۹۴۰۰۰ دلار ششصد ونود و چهار هزار دلار مصرف شده است.

با یک حساب سرانگشتی می توان دریافت که مصارف در هر متر ۶۹۴ دلار و در هر متر مربع مبلغ تقریبا ۱۰۰ دلار!. این در حالی است که بستر سرک از قبل آماده بوده و بیشتر کار ها مربوط استر کاری و ریختن قیر بوده است.

دراین مورد سخن محترم احمدزی فاقد شفافیت بود اما به این مساله اشاره کرد که مصارف در ابتدا کم برآورد شده بود ولی بعدا مصارف بلند رفت. در این مورد نیز شفافیتی ارایه نشد.

جالب این است که نشریهٔ صدای آزادی که از جانب ایساف به نشر می رسد در شمارهٔ ۴۷ مؤرخ ۱۸ جدی در مورد این شاهراه روایت دیگری دارد. صدای آزادی می نویسد:

این شاهراه از طرف ادارهٔ ایالات متحدهٔ امریکا برای انکشاف بین المللی USAID و حکومت جاپان به هزینهٔ یکصد و نود میلیون دلار امریکایی تمویل گردیده است.

نکتهٔ دیگری که اشرف غنی در این رابطه به آن اشاره کرد این بود که ایالات متحدهٔ امریکا خود این شرکت امریکایی را برای کار انتخاب کرده است و مقامات دولت افغانستان در این انتخاب نقشی نداشته اند. این خود نشان می دهد که وزیر مالیه هم از طرز کار، چندان راضی نیست و برای این که در آینده مسئولیتی متوجه اش نشود خواست تا عدم حسابدهی شفاف در این مساله را بدوش کشور متبوع خود بیندازد.

شایعاتی بر سر زبانهاست که این کمپنی در این معامله به مقامات دولتی ده فیصد کمیشن داده و این قرارداد را به دست آورده است و همچنان گفته می شود که هدف امریکا این است که پولی را که ظاهرا از یک دست به افغانستان می دهد با دست دیگر دوباره بوسیلهٔ کمپنی های خودش بگیرد.

> **هدف امریکا این است که پولی را که ظاهرا از یک دست به افغانستان می دهد با دست دیگر دوباره بوسیلهٔ کمپنی های خودش بگیرد.**

مساله یی دیگر که باید به آن اشاره کرد بازسازی تونل سالنگ است. طول این تونل ۲۹۷ متر است که در اثر چند انفجار قطعات زیادی از سنگ و سمنت و گادر در داخل آن فروریخته بود. سیستم کانالیزاسیون (که آب را از تونل به بیرون هدایت می کند) سیستم برق، عایق بندی و نل های آب آن همه تخریب گردیده بود و نیاز به پاک کاری و بازسازی داشت. عرض تونل تقریبا هفت متر است.

مصارف این پاک کاری و بازسازی به شمول مصارف سروی آن به هفت میلیون دلار بالغ گردید.

اکنون مصارف این پروژه را به بررسی می گیریم: اگر طول مجموعی تونل را به هفت میلیون تقسیم کنیم، مصارف در هر متر از تونل ۲۳۵۶۹ دلار و در هر مترمربع ۳۳۶۷ دلار خواهد بود!

> **شایعاتی بر سر زبانهاست که این کمپنی در این معامله به مقامات دولتی ده فیصد کمیشن داده و این قرارداد را به دست آورده است**

مشخص است که وقتی تنها برای سه صد متر پاک کاری و بازسازی تونل این همه پول به مصرف رسیده است اگر بخواهیم سه صد متر تونل جدید حفر کنیم بدون تردید مصارف صد برابر بلند تر خواهد بود.

معمولا در چنین مواردی چندین شرکت به داوطلبی می پردازند و با کسی که شرایط بهتر و قیمت نازلتر دارد قرارداد صورت می گیرد. معلوم نیست که در این دو مورد تا چه حد این اصل رعایت شده است.

آقای اشرف غنی برخی از کمک ها را به قوانین کشور های قرضه دهنده مربوط دانستند به این معنی که برای آنان مهم نیست اگر این کمک ها عوارض منفی هم برای کشور کمک گیرنده در قبال داشته باشد.

اشرف غنی منبع دیگر عواید دولت را کمک های بلاعوض دانست و گفت که این کمک ها شکل پروژه یی دارد به این معنی که یک کشور به جای این که پول نقد کمک کند، گندم کمک می کند. در حالی که پول انتقال گندم تا به افغانستان از قیمت آن بالا تر است اما مقررات آنها چنین ایجاب می کند.

در این مورد اشرف غنی نگفت که یک تن گندم وقتی به افغانستان می رسد چند تمام می شود اما می توان گفت که قیمت به شکل سرسام آوری بلند است یعنی اگر به جای گندم معادل قیمت آن پول داده شود، می توان از دهقان افغان به جای یک تن، چهار تن گندم خرید و به این ترتیب سطح تولید گندم را در کشور بلند برد. اما اکنون که قیمت گندم به علت آمدن این نوع کمک ها در بازار به شدت پائین آمده است، دهقان چاره یی ندارد جز این که به کشت خشخاش بپردازد. این اعتراض را بخش اعظمی از نمایندگان در لویه جرگه مطرح کردند اما کسی به آن توجه ندارد. علت نیز واضح است. مافیای بین المللی می خواهد کشت خشخاش را در افغانستان تشویق کند. چه می توان کرد؟ قوانین کشور های کمک دهنده چنین ایجاب می نماید که من و تو باید حسابدهی شفاف داشته باشیم نه آنانی که حساب می گیرند!

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

متن قانون اساسی پس از توشیح

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والعاقبه للمتقین والصلوة والسلام علی سیدالانبیاء والمرسلین محمد(ص) و علی آله و اصحابه اجمعین

مقدمه

ما مردم افغانستان:

• با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند (ج) و توکل به مشیت حق تعالی و اعتقاد به دین مقدس اسلام.

• با درک بی عدالتی ها و نابسامانی های گذشته و مصائب بی شماری که بر کشور ما وارد آمده است.

• با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت بر حق تمام مردم افغانستان و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی افغانستان.

• با درک این که افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد.

• با رعایت منشور ملل متحد و احترام به اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر.

• به منظور تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور.

• به منظور تأسیس نظام متکی بر ارادهٔ مردم و دموکراسی.

• به منظور ایجاد جامعهٔ مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت وحقوق انسانی و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم.

• به منظور تقویت بنیاد های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور.

• به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سرزمین .

• و سر انجام به منظور تثبیت جایگاه شایستهٔ افغانستان در خانوادهٔ بین المللی.

این قانون اساسی را مطابق به واقعیت های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر ، ازطریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مؤرخ ۱۴/جدی/۱۳۸۲ در شهر کابل تصویب کردیم.

فصل اول

دولت

مادهٔ اول

افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد وغیر قابل تجزیه می باشد.

مادهٔ دوم

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایرادیان در پیروی از دین واجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

مادهٔ سوم

درافغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات واحکام دین مقدس اسلام باشد.

مادهٔ چهارم

حاکمیت ملی درافغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند.

ملت افغانستان عبارت است ازتمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی وسایر اقوام می باشد.

برهر فردی از افراد ملت افغانستان کلمهٔ افغان اطلاق می شود.

هیچ فردی ازافراد ملت ازتابعیت افغانستان محروم نمی گردد.

امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ پنجم

تطبیق احکام این قانون اساسی وسایر قوانین، دفاع ازاستقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی وتأمین امنیت وقابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

مادهٔ ششم

دولت به ایجاد یک جامعهٔ مرفه ومترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام وقبایل وانکشاف متوازن در همهٔ مناطق کشور مکلف می باشد.

مادهٔ هفتم

دولت منشورملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.

دولت ازهرنوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر وتولید واستعمال مسکرات جلو گیری می کند.

مادهٔ هشتم

دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

مادهٔ نهم

معادن وسایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می باشند.

حفاظت وادارهٔ املاک دولت وطرز استفادهٔ درست از منابع طبیعی وسایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ دهم

دولت، سرمایه گذاریها وتشبثات خصوصی را مبتنی برنظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصئونیت آن ها را تضمین می نماید.

مادهٔ یازد هم

امورمربوط به تجارت داخلی وخارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور ومصالح مردم، توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ دوازد هم

دافغانستان بانک، بانک مرکزی دولت ومستقل می باشد.

نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون. از صلاحیت بانک مرکزی می باشد.

بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه مشوره می نماید.

تشکیل وطرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می شود.

مادهٔ سیزدهم

دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم وحمایت از فعالیتهای پیشه وران، پروگرامهایی مؤثر طرح وتطبیق می نماید

مادهٔ چهاردهم

دولت برای انکشاف زراعت ومالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی ومعیشتی دهقانان و مالداران واسکان وبهبود زندگی کوچیان، در حدود بنیهٔ مالی دولت، پروگرامهای مؤثرطرح وتطبیق می نماید.

دولت به منظور تهیهٔ مسکن و توزیع ملکیتهای عامه برای اتباع مستحق، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

مادهٔ پانزدهم

دولت مکلف است در مورد حفظ وبهبود جنگلات و محیط زیست تدابیرلازم اتخاذ نماید.

مادهٔ شانزدهم

ازجمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی، پامیری وسایر زبانهای رایج در کشور، پشتو ودری زبانهای رسمی دولت می باشند.

در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی ویا پامیری تکلم می نمایند آن زبان علاوه بر پشتو ودری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوهٔ تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد.

دولت برای تقویت وانکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرامهای مؤثر طرح وتطبیق می نماید.

نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می باشد.

مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشورحفظ می گردد.

مادهٔ هفدهم

دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم وبهبود وضع مساجد. مدارس ومراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

مادهٔ هجدهم

مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبراکرم(ص) استوار است.

مبنای کارادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد.

روز های جمعه، ۲۸ اسد و۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ نزدهم

بیرق افغانستان مرکب است از: سه قطعه با رنگهای سیاه، سرخ وسبز که به صورت عمودی، به اندازه های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است ودر وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت ازمحراب ومنبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشهٔ آن دو بیرق ودر وسط آن در قسمت فوقانی، کلمهٔ مبارک لا اله الاالله محمد رسول الله والله اکبر واشعهٔ خورشید درحال طلوع ودر قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸هجری شمسی وکلمهٔ افغانستان، جا داشته وازدو طرف با خوشه های گندم احاطه شده است.

طرز استفاده از بیرق ونشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ بیستم

سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می باشد.

مادهٔ بیست ویکم

پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دوم

حقوق اساسی و وجایب اتباع

مادهٔ بیست ودوم

هرنوع تبعیض وامتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن ومرد دربرابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

مادهٔ بیست وسوم

زندگی موهبت الهی وحق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

مادهٔ بیست وچهارم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران ومصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی وکرامت انسان از تعرض مصئون است.

دولت به احترام وحمایت آزادی وکرامت انسان مکلف می باشد.

مادهٔ بیست وپنجم

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمهٔ با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

مادهٔ بیست وششم

جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم وتطبیق جزا براو به شخص دیگری سرایت نمی کند.

مادهٔ بیست وهفتم

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار ویا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمهٔ با صلاحیت ومطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

مادهٔ بیست وهشتم

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معاملهٔ بالمثل وپیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هیچ افغان به سلب تابعیت ویا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

مادهٔ بیست و نهم

تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف ویا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

مادهٔ سی ام

اظهار، اقراروشهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیلهٔ اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل ودر حالت صحت عقل، در حضور محکمهٔ با صلاحیت.

مادهٔ سی ویکم

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری ویا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد ودر داخل میعادی که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

دولت درقضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.

محرمیت مکالمات، مراسلات ومخابرات بین متهم ووکیل آن، از هر نوع تعرض مصئون می باشد.

وظایف وصلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ سی و دوم

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ سی وسوم

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن وانتخاب شدن رادارا می باشند.

شرایط وطرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد

مادهٔ سی وچهارم

آزادی بیان از تعرض مصئون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیلهٔ گفتار، نوشته، تصویر ویا وسایل دیگر، بارعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هرافغان حق دارد مطابق

ص۴

به احکام قانون، به طبع ونشر مطالب، بدون ارایهٔ قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو وتلویزیون، نشر مطبوعات وسایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ سی وپنجم

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی ویا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیتها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر این که:

۱-مرامنامه واساسنامهٔ حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص وارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد؛

۲-تشکیلات ومنابع مالی حزب علنی باشد.

۳- اهداف وتشکیلات نظامی وشبه نظامی نداشته باشد؛

۴-وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد.

تأسیس وفعالیت حزب برمبنای قومیت، سمت، زبان ومذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمهٔ با صلاحیت منحل نمی شود.

مادهٔ سی وششم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند.

مادهٔ سی و هفتم

آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد وچه به وسیلهٔ تلفن، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصئون است.

دولت حق تفتیش مراسلات ومخابرات اشخاص را ندارد، مگرمطابق به احکام قانون.

مادهٔ سی وهشتم

مسکن شخص از تعرض مصئون است.

هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازهٔ ساکن یا قرارمحکمهٔ با صلاحیت وبه غیر از حالات وطرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسؤول می تواند بدون اجازهٔ قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

مادهٔ سی ونهم

هرافغان حق دارد به هرنقطهٔ کشورسفرنماید ومسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفرنماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

مادهٔ چهلم

ملکیت از تعرض مصئون است.

هیچ شخص ازکسب ملکیت وتصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصلهٔ محکمهٔ با صلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی وعادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش واعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

مادهٔ چهل ویکم

اشخاص خارجی درافغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند.

اجارهٔ عقار به منظور سرمایه گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می باشد.

فروش عقاربه نمایندگی های سیاسی دول خارجی و به مؤسسات بین المللی که افغانستان عضوآن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز می باشد.

مادهٔ چهل ودوم

هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه ومحصول تأدیه کند.

هیچ نوع مالیه ومحصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود.

اندازهٔ مالیه و محصول و طرز تأدیهٔ آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می گردد.

این حکم درمورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می شود.

هر نوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

مادهٔ چهل وسوم

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجهٔ لیسانس درمؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان ازطرف دولت تأمین می گردد.

دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطهٔ اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینهٔ تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.

مادهٔ چهل وچهارم

دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان وامحای بی سوادی درکشور، پروگرامهای مؤثر طرح وتطبیق نماید.

مادهٔ چهل وپنجم

دولت نصاب واحد تعلیمی را، برمبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی ومطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند ونصاب مضامین دینی مکاتب را، برمبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید.

مادهٔ چهل وششم

تأسیس وادارهٔ مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی واختصاصی وظیفهٔ دولت است.

اتباع افغانستان می توانند به اجازهٔ دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی وسواد آموزی اقدام نمایند.

دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ چهل وهفتم

دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب وهنر پروگرامهای مؤثر طرح می نماید.

دولت حقوق مؤلف، مخترع وکاشف را تضمین می نماید وتحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند واستفادهٔ مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

مادهٔ چهل وهشتم

کار حق هر افغان است.

تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد.

انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

مادهٔ چهل ونهم

تحمیل کار اجباری ممنوع است.

سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات وآسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد.

تحمیل کار براطفال جواز ندارد.

مادهٔ پنجاهم

دولت مکلف است به منظور ایجاد ادارهٔ سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیرلازم اتخاذ نماید.

اداره اجراآت خود را با بیطرفی کامل ومطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران وامنیت عامه حدودی ندارد.

اتباع افغانستان براساس اهلیت وبدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

مادهٔ پنجاه ویکم

هر شخص که از اداره بی بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند.

به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمهٔ با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

مادهٔ پنجاه ودوم

دولت وسایل وقایه وعلاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع، مطابق به احکام قانون تأمین می نماید.

دولت تأسیس و توسعهٔ خدمات طبی ومراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند.

دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم وانکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

مادهٔ پنجاه وسوم

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی ومساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی معلولین ومعیوبین وسهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین وایتام بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

مادهٔ پنجاه وچهارم

خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظورتأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای ازبین بردن رسوم مغایربا احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

مادهٔ پنجاه وپنجم

دفاع از وطن وجیبهٔ تمام اتباع افغانستان است.

شرایط اجرای دورهٔ مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ پنجاه وششم

پیروی ازاحکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم وامن عامه وجیبهٔ تمام مردم افغانستان است.

بی خبری ازاحکام قانون عذر دانسته نمی شود.

مادهٔ پنجاه و هفتم

دولت حقوق وآزادی های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

مادهٔ پنجاه وهشتم

دولت به منظورنظارت بر رعایت حقوق بشر درافغانستان و بهبود و حمایت ازآن، کمیسیون مستقل حقوق بشرافغانستان را تأسیس می نماید.

هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل وطرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ پنجاه ونهم

هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق وآزادیهای مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ووحدت ملی عمل کند.

فصل سوم

رئیس جمهور

مادهٔ شصتم

رئیس جمهوردر رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه وقضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند.

رئیس جمهور دارای دومعاون، اول ودوم، می باشد.

کاندید ریاست جمهوری نام هر دومعاون را همزمان باکاندید شدن خود به ملت اعلام می دارد.

معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفا و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می کند.

در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می کند.

مادهٔ شصت ویکم

رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رای دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد.

وظیفهٔ رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعداز انتخابات پایان می یابد.

انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید درخلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می گردد.

هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرا را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته ازتاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول به دست آورده اند شرکت می نمایند.

در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهورشناخته می شود.

هرگاه یکی ازکاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری و یا بعداز انتخابات و قبل ازاعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می گردد.

مادهٔ شصت ودوم

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- تبعهٔ افغانستان، مسلمان ومتولد از والدین افغان بوده وتابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛

۲- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛

۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.

مادهٔ شصت وسوم

رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق به طرزالعمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد، حلف آتی را به جا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحیم

"به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت واز آن حمایت کنم. قانون اساسی وسایر قوانین را رعایت واز تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق ومنافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم."

مادهٔ شصت وچهارم

رئیس جمهوردارای صلاحیتها ووظایف ذیل می باشد:

۱- مراقبت از اجرای قانون اساسی؛

۲- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛

۳- قیادت اعلای قوای مسلح افغانستان؛

۴- اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی؛

۵- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی وحفظ استقلال؛

۶- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی؛

۷- دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج مادهٔ شصت ونهم این قانون اساسی؛

۸- اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی وخاتمه دادن به آن؛

۹- افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛

۱۰- قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛

۱۱- تعیین وزرا، لوی څارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها؛

۱۲- تعیین رئیس واعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه: ص۵

۱۳- تعیین، تقاعد، قبول استعفا وعزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛

۱۴- تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی ومؤسسات بین المللی؛

۱۵- قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛

۱۶- توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛

۱۷- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون؛

۱۸- تخفیف وعفو مجازات مطابق به احکام قانون؛

۱۹- اعطای مدالها، نشانها والقاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛

۲۰- تأسیس کمیسیونها به منظور بهبود اداره ٔ کشورمطابق به احکام قانون؛

۲۱-سایر صلاحیتها و وظایف مندرج این قانون اساسی.

ماده ٔ شصت و پنجم

رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل آن باشد.

ماده ٔ شصت و ششم

رئیس جمهور دراعمال صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می کند.

رئیس جمهور نمی تواند بدون حکم قانون ملکیت های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.

رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نماید.

ماده ٔ شصت وهفتم

درصورت استعفا، عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیتها و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید.

تثبیت مریضی صعب العلاج توسط هیأت طبی با صلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین می گردد صورت می گیرد.

در این حالات در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق مادهٔ شصت ویکم این قانون اساسی برگزار می گردد.

معاون اول رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور مؤقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

۱- تعدیل قانون اساسی؛

۲- عزل وزرا؛

۳- مراجعه به آرای عامه.

معاونین رئیس جمهورمی توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند.

درصورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده ٔ شصت وهشتم

هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفا و یا وفات نماید عوض وی شخص دیگری توسط رئیس جمهوربه تأیید ولسی جرگه تعیین می گردد.

درصورت وفات همزمان رئیس جمهور ومعاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده شصت وهفتم این قانون اساسی وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

ماده ٔ شصت ونهم

رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسؤول می باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند. در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می نماید.

هر گاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل وموضوع به محکمه ٔ خاص محول می گردد. محکمه ٔ خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه. اقامه ٔ دعوی توسط شخصی که ازطرف لویه جرگه تعیین می گردد صورت می گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده ٔ هفتادم

معاش ومصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد.

رئیس جمهور بعد از ختم دوره ٔ خدمت، به استثنای حالت عزل، برای بقیه ٔ مدت حیات از حقوق مالی دوره ٔ ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل چهارم

حکومت

ماده ٔ هفتادویکم

حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهوراجرای وظیفه می نمایند.

تعداد وزرا و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده ٔ هفتادودوم

شخصی که به حیث وزیرتعیین می شود واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- تنها حامل تابعیت افغانستان باشد؛

هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد، ولسی جرگه صلاحیت تأیید و یا رد آن را دارد؛

۲- دارای تحصیلات عالی، تجربهٔ کاری وشهرت نیک باشد؛

۳- سن وی از سی وپنج سال کمتر نباشد؛

۴- ازطرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد

ماده ٔ هفتادوسوم

وزرا می توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند.

هرگاه عضو شورای ملی به حیث وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شوری ازدست می دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می گردد.

ماده ٔ هفتادو چهارم

وزرا قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، به جامی آورند:

بسم الله الرحمن الرحیم

"به نام خداوند بزرگ(ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام راحمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت واز استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و درهمه اعمال خود خداوند(ج) را حاضر دانسته، وظایف محوله را صادقانه انجام دهم."

ماده ٔ هفتاد وپنجم

حکومت دارای وظایف ذیل می باشد:

۱- تعمیل احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم؛

۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه ٔ بین المللی؛

۳- تأمین نظم وامن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛

۴- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه ؛

۵- طرح و تطبیق پروگرامهای انکشافی اجتماعی ، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛

۶- ارایهٔ گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در بارهٔ امور انجام شده و پروگرام های عمده ٔ سال مالی جدید؛

۷- انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی وقوانین دیگراز وظایف حکومت دانسته شده است.

ماده ٔ هفتاد وششم

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع و تصویب می کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده ٔ هفتادوهفتم

وزرا وظایف خود را به حیث آمرین واحد های اداری در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می کند، اجرا می نمایند.

وزرا از وظایف مشخصه ٔ خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسؤولیت دارند.

ماده ٔ هفتادوهشتم

هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یکصدوسی وچهارم این قانون اساسی به محکمه ٔ خاص محول می گردد.

ماده ٔ هفتادونهم

حکومت می تواند درحالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه وامورمالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسهٔ شورای ملی به آن تقدیم شود.

ودر صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می گردد.

ماده ٔ هشتادم

وزرا نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی وحزبی استفاده نمایند.

فصل پنجم

شورای ملی

ماده ٔ هشتادویکم

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهراراده ٔ مردم آن است واز قاطبه ٔ ملت نمایندگی می کند.

هر عضو شورای در موقع اظهار رای، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده ٔ هشتادودوم

شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانوجرگه می باشد.

هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده ٔ هشتاد وسوم

اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردند.

دوره ٔ کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعداز اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید.

انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روزقبل از پایان دوره ٔ ولسی جرگه برگزار می گردد.

تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دوصدوپنجاه نفر می باشد.

حوزه های انتخاباتی و سایر مسائل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد.

در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید وبه تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.

ماده ٔ هشتادو چهارم

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می شوند:

۱- ازجمله ٔ اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال؛

۲- ازجمله ٔ اعضای شوراهای ولسوالی های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال؛

۳- یک ثلث باقی مانده از جمله ٔ شخصیت های خبیر و یا تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین ومعیوبین و دو نفر نمایندگان کوچی ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را ازبین زنان تعیین می نماید.

شخصی که به حیث عضو مشرانوجرگه انتخاب می شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض اوشخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

ماده ٔ هشتادوپنجم

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می شود، علاوه برتکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل می باشد:

۱- تبعهٔ افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛

۲- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان ازحقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۳- اعضای ولسی جرگه سن بیست وپنج سالگی را در روز کاندید شدن واعضای مشرانو جرگه سن سی وپنج سالگی را در روزکاندید یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند.

ماده ٔ هشتادوششم

وثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می گردد.

ماده ٔ هشتادو هفتم

هر یک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره ٔ کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره ٔ تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول ونایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یکسال انتخاب می کند.

این اشخاص هیأت اداری ولسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل می دهند.

وظایف هیأت اداری در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود.

ماده ٔ هشتادوهشتم

هریک از دومجلس شورای ملی برای مطالعه ٔ موضوعات مورد بحث، برطبق اصول وظایف داخلی، کمیسیون ها تشکیل می دهد.

ماده ٔ هشتادو نهم

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و مطالعه ٔ اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

ترکیب و طرزالعمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

ماده ٔ نودم

شورای ملی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- تصویب، تعدیل یالغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛

۲- تصویب پروگرامهای انکشافیاجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛

۳- تصویب بودجه ٔ دولتی و اجازه ٔ اخذ یا اعطای قرضه؛

۴- ایجاد واحد های اداری، تعدیل و یا الغای آن؛

۵- تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛

۶- سایرصلاحیتهای مندرج این قانون اساسی.

ماده ٔ نودو یکم

ولسی جرگه دارای صلاحیت های اختصاصی ذیل می باشد:

۱- اتخاذ تصمیم درمورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نود و دوم این قانون اساسی؛

۲- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرامهای انکشافی و بودجه ٔ دولتی؛

۳- تأیید یا رد مقرری ها مطابق به احکام این قانون اساسی.

ماده ٔ نود ودوم

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا، می تواند ازهریک از وزرا استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارایه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می کند.

رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رأی به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد.

ماده ٔ نودوسوم

هریک ازکمیسیونهای هردومجلس شورای ملی می تواند ازهریک از وزرا در موضوعات معین سؤال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده، می تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ص ۶

مادهٔ نودوچهارم

قانون عبارت است از مصوبهٔ هر دومجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر این که دراین قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتی که رئیس جمهور با مصوبهٔ شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آن را در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آن را مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می گردد.

مادهٔ نودوپنجم

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورای و درساحهٔ تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می تواند.

پیشنهاد طرح قانون درمورد بودجه وامور مالی صرف ازطرف حکومت صورت می گیرد.

مادهٔ نودوششم

هرگاه پیشنهاد طرح قانون، حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می شود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش بینی شده باشد.

مادهٔ نودوهفتم

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را، به شمول بودجه وامور مالی و پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه را، بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یا رد می کند.

ولسی جرگه نمی تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می سپارد.

مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می کند.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات وپروگرامهای انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می دهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارایه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل می گردد.

مادهٔ نودوهشتم

بودجهٔ دولت و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توأم با نظریهٔ مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می شود.

تصمیم ولسی جرگه بدون ارایه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

هر گاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجهٔ جدید، بودجهٔ سال گذشته تطبیق می گردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجهٔ سال آینده را با حساب اجمالی بودجهٔ سال جاری به شورای ملی تقدیم می نماید. حساب قطعی بودجهٔ سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق به احکام قانون، به شورای ملی تقدیم می گردد.

ولسی جرگه نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازهٔ اخذ ویا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تأخیراندازد.

هرگاه ولسی جرگه دراین مدت راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می گردد.

مادهٔ نودونهم

درصورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شورا قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی تواند.

مادهٔ صدم

هرگاه مصوبهٔ یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برا ی حل اختلاف هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هردو مجلس تشکیل می گردد.

فیصلهٔ هیأت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می شود. در صورتی که هیأت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود. دراین حالت ولسی جرگه می تواند در جلسهٔ بعدی آن را با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارایه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

مادهٔ یکصدویکم

هیچ عضو شورای ملی به علت رای یا نظریه یی که درهنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

مادهٔ یکصدودوم

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مأمور مسؤول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع می دهد ومتهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می تواند.

در مورد جرم مشهود، مامور مسؤول می تواند متهم را بدون اجازهٔ مجلسی که او عضو آن می باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

درهر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مامور مسؤول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند وتصویب آن را حاصل نماید.

اگراتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد، اجازهٔ گرفتاری یا توقیف از هیأت اداری مجلس مربوط حاصل می گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می شود.

مادهٔ یکصدوسوم

وزرا می توانند در جلسات هریک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند.

هر مجلس شورای ملی می تواند حضور وزرا را در جلسهٔ خود مطالبه کند.

مادهٔ یکصدوچهارم

هردومجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می تواند به طور مشترک دایر شود:

۱- در موقعی که دورهٔ تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می گردد؛

۲- در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می نماید.

مادهٔ یکصدوپنجم

جلسات شورای ملی علنی می باشد مگر این که رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آن را در خواست نمایند و مجلس این در خواست را بپذیرد.

هیچ شخصی نمی تواند عنفاً به مقر شورای ملی داخل شود.

مادهٔ یکصدو ششم

نصاب هریک از دومجلس شورای ملی، هنگام رأی گیری یا حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد.

مادهٔ یکصدو هفتم

شورای ملی درهرسال دواجلاس عادی دایر می کند.

مدت کار هر دو اجلاس شورا، در هر سال نه ماه می باشد، در صورت ایجاب، شورا می تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق العادهٔ شورا در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می تواند.

مادهٔ یکصدوهشتم

درحالات وفات، استعفا وعزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نمایندهٔ جدید برای مدت باقی ماندهٔ دورهٔ تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

امور مربوط به حضور وغیاب اعضای شورای ملی دراصول وظایف داخلی تنظیم می گردد.

مادهٔ یکصدونهم

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دورهٔ تقنینیه، در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.

فصل ششم

لویه جرگه

مادهٔ یکصدودهم

لویه جرگه عالی ترین مظهر ارادهٔ مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

۱. اعضای شورای ملی؛

۲. رؤسای شورا های ولایات و ولسوالی ها.

وزرا، رئیس واعضای ستره محکمه ولوی خارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.

مادهٔ یکصدو یازدهم

لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

۱. اتخاذ تصمیم درمورد مسائل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور؛

۲. تعدیل احکام این قانون اساسی؛

۳. محاکمه رئیس جمهورمطابق به حکم مندرج ماده شصت ونهم این قانون اساسی.

مادهٔ یکصدودوازدهم

لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر را به حیث رئیس و یک نفر را به حیث معاون و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی انتخاب می کند.

مادهٔ یکصدو سیزدهم

نصاب لویه جرگه هنگام رأی دهی، با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد.

تصامیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آرای کل اعضا اتخاذ می گردد.

مادهٔ یکصد وچهاردهم

مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر این که یک ربع اعضا سری بودن آن را در خواست نمایند ولویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

مادهٔ یکصدو پانزدهم

درهنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد یکصدویکم ویکصدودوم این قانون اساسی، درمورد اعضای آن تطبیق می گردد.

فصل هفتم

قضاء

مادهٔ یکصدوشانزدهم

قوهٔ قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوهٔ قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف ومحاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضایی در رأس قوهٔ قضائیهٔ جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

مادهٔ یکصدوهفدهم

ستره محکمه مرکب است ازنه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه و بارعایت احکام مندرج فقرهٔ آخرمادهٔ پنجاهم و مادهٔ یکصدوهجدهم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین می گردند:

سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.

تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد.

تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی ازاعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج مادهٔ یکصدوبیست وهفتم این قانون اساسی، تا ختم دورهٔ خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

مادهٔ یکصدوهجدهم

عضو ستره محکمه واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- سن رئیس واعضا درحین تعیین ازچهل سال کمتر نباشد؛

۲- تبعهٔ افغانستان باشد؛

۳- در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربهٔ کافی داشته باشد؛

۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛

۵- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان ازحقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۶- درحال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

مادهٔ یکصدونزدهم

اعضای ستره محکمه قبل ازاشغال وظیفه، حلف آتی را درحضور رئیس جمهوربه جا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحیم

"به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که حق وعدالت را برطبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی وسایرقوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفهٔ قضا را باکمال امانت صداقت وبی طرفی اجرا نمایم."

مادهٔ یکصدو بیستم

صلاحیت قوهٔ قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاویی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه درپیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

مادهٔ یکصد وبیست ویکم

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول ومیثاق های بین المللی با قانون اساسی وتفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون ازصلاحیت ستره محکمه می باشد.

مادهٔ یکصد وبیست ودوم

هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایرهٔ صلاحیت قوهٔ قضائیه به نحوی که دراین فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت ونهم، هفتادوهشتم ویکصدوبیست وهفتم این قانون اساسی ومحاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی گردد.

تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ یکصدو بیست وسوم

بارعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت واجراآت محاکم وامور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ یکصدوبیست وچهارم

درمورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوهٔ قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات ومکافات شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

مادهٔ یکصدو بیست و پنجم

بودجهٔ قوهٔ قضائیه به مشورهٔ حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجهٔ دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می شود.

تطبیق بودجهٔ قوهٔ قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می باشد

مادهٔ یکصدوبیست وششم

اعضای ستره محکمه بعد از ختم دورهٔ خدمت برای بقیهٔ مدت حیات از حقوق مالی دورهٔ خدمت مستفید می شوند مشروط بر این که به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نورزند.

مادهٔ یکصدوبیست وهفتم

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمهٔ رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل وموضوع به محکمهٔ خاص محول می گردد.

تشکیل محکمه و طرزالعمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ یکصدوبیست وهشتم

درمحاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد وهر شخص حق دارد بارعایت احکام قانون درآن حضور یابد.

محکمه می تواند در حالاتی که درقانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ص۷

مادهٔ یکصدوبیست ونهم

محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند.

تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگردر حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

مادهٔ یکصدوسی ام

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی وسایر قوانین را تطبیق می کنند.

هر گاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی ازاحکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل وفصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

مادهٔ یکصدوسی ویکم

محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر دراین قانون اساسي و قوانین دیگر حکمي موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل مي نمایند.

مادهٔ یکصدو سي ودوم

قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ستره محکمه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایي و قضایي و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداري قوهٔ قضائیه را تاسیس می نماید.

مادهٔ یکصدوسي وسوم

هرگاه قاضي به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضي رسیدگي نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوري آن ازطرف رئیس جمهور، قاضي متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات مي شود.

مادهٔ یکصدوسي و چهارم

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم واقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف څارنوالي مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

څارنوالي جزء قوهٔ اجرائیه و در اجرآت خود مستقل مي باشد.

تشکیل، صلاحیت وطرزفعالیت څارنوالي توسط قانون تنظیم می گردد.

کشف و تحقیق جرایم وظیفوي منسوبین قوای مسلح، پولیس و مؤظفین امنیت ملي، توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

مادهٔ یکصدوسي وپنجم

اگرطرف دعوا زباني را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد واسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین می گردد.

فصل هشتم

اداره

مادهٔ یکصدوسي و ششم

ادارهٔ جمهوری اسلامی افغانستان برا ساس واحد های ادارهٔ مرکزی وادارات محلی، طبق قانون، تنظیم می گردد.

ادارهٔ مرکزی به یک عده واحد های اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد.

واحد ادارهٔ محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات وادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی واقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

مادهٔ یکصدو سي وهفتم

حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی وسهم گیری هرچه بیشتر مردم درانکشاف حیات ملی، صلاحیت های لازم را مطابق به احکام قانون، به ادارهٔ محلی تفویض می نماید.

مادهٔ یکصدوسي وهشتم

درهر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می شود.

اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، ازطریق انتخابات آزاد، عمومی، سرّی و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می گردند.

شورای ولایتی یک نفرازاعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

مادهٔ یکصدوسي ونهم

شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و درمسائل مربوط به ولایت مشوره می دهد.

شورای ولایتی وظایف خود را باهمکاری ادارهٔ محلي اجرا می نماید.

مادهٔ یکصدوچهلم

برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در ادارهٔ محلی، درولسوالی ها و قریه ها، مطابق به احکام قانون، شورا ها تشکیل می گردند.

اعضای این شوراها ازطریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم ازطرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند.

سهم گیري کوچیان در شورا هاي محلي مطابق به احکام قانون تنظیم مي گردد.

مادهٔ یکصدوچهل ویکم

برای ادارهٔ امورشهری، شاروالی تشکیل می شود.

شاروال واعضای مجالس شاروالی، ازطریق انتخابات آزاد، عمومی، سری ومستقیم انتخاب می شوند.

امور مربوط به شاروالی ها توسط قانون تنظیم می گردند.

مادهٔ یکصدوچهل ودوم

دولت به مقصد تعمیل احکام وتأمین ارزشهاي مندرج این قانون اساسي، ادارات لازم را تشکیل مي نماید.

فصل نهم

حالت اضطرار

مادهٔ یکصدوچهل وسوم

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعي و یا حالت مماثل، حفظ استقلال وحیات ملی از مجرایی که در قانون اساسی تعیین شده، نا ممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شوراي ملي در تمام یا بعضي از ساحات کشور اعلان می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است.

مادهٔ یکصدوچهل وچهارم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند به مشورهٔ رؤسای شوراي ملي و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

مادهٔ یکصدوچهل وپنجم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید روساي شوراي ملي و ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا برآن ها قیودي وضع نماید:

۱- فقرهٔ دوم مادهٔ بیست و هفتم؛
۲- مادهٔ سی وششم؛
۳- فقرهٔ دوم مادهٔ سی وهفتم؛
۴- فقرهٔ دوم مادهٔ سی وهشتم.

مادهٔ یکصدوچهل وششم

درحالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود.

مادهٔ یکصدوچهل وهفتم

هر گاه دورهٔ ریاست جمهوری ویا دورهٔ تقنینیهٔ شوراي ملي، در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئیس جمهور و اعضاي شوراي ملي تا چهار ماه تمدید مي شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش ازچهارماه دوام نماید لویه جرگه ازطرف رئیس جمهور دعوت مي شود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه، انتخا با ت برگزار می گردد.

مادهٔ یکصدوچهل وهشتم

در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که براساس مواد یکصدوچهل وچهارم ویکصدوچهل وپنجم این قانون اساسی به عمل آمده، بلا فاصله از اعتبار ساقط می گردند.

فصل دهم

تعدیل

مادهٔ یکصدوچهل ونهم

اصل پیروی ازاحکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامي تعدیل نمی شوند.

تعدیل حقوق اساسي اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز مي باشد.

تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب ومقتضیات عصر، بارعایت احکام مندرج مواد شصت وهفتم و یکصدوچهل وششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضاي شوراي ملي صورت مي گیرد.

مادهٔ یکصدوپنجاهم

به منظوراجرای پیشنهاد تعدیل، هیاتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده، طرح تعدیل را تهیه می کند.

برای تصویب تعدیل، لویه جرگه براساس فرمان رئیس جمهور ومطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد.

هرگاه لویه جرگه با اکثریت دوثلث کُل اعضا طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نا فذ می گردد.

فصل یازدهم

احکام متفرقه

مادهٔ یکصدو پنجاه ویکم

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، رئیس واعضاي ستره محکمه، لوي څارنوال، رؤساي بانک مرکزي وامنیت ملي، والیان و شاروال ها درمدت تصدی وظیفه نمی توانند هیچ معاملهٔ انتفاعی را با دولت انجام دهند.

مادهٔ یکصدوپنجاه ودوم

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوي څارنوال و قضات نمی توانند درمدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

مادهٔ یکصدوپنجاه وسوم

قضات، څارنوالان، صاحب منصبان قواي مسلح و پولیس ومنسوبین امنیت ملي، درمدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

مادهٔ یکصدوپنجاه وچهارم

دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، اعضاي ستره محکمه و لوي څارنوال قبل و بعد از دورهٔ خدمت، توسط ارگاني که درقانون تعیین مي گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می شود.

مادهٔ یکصدوپنجاه وپنجم

برای معاونین رئیس جمهور، وزرا، رؤسا واعضاي شورای ملی و ستره محکمه، قضات و لوي څارنوال مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

مادهٔ یکصدوپنجاه وششم

کمیسیون مستقل انتخابات براي اداره ونظارت بر هرنوع انتخابات و مراجعه به آراي عمومي مردم درکشور مطابق به احکام قانون تشکیل مي گردد.

مادهٔ یکصدوپنجاه و هفتم

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسي مطابق به احکام قانون تشکیل مي گردد.

اعضاي این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تایید ولسي جرگه تعیین مي گردند.

فصل دوازدهم

احکام انتقالي

مادهٔ یکصدوپنجاه وهشتم

لقب باباي ملت وامتیازاتی که توسط لویه جرگهٔ اضطراري سال یکهزاروسیصدو هشتادویک هجري شمسي به اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطا شده است با رعایت احکام این قانون اساسي مادام الحیات براي ایشان محفوظ مي باشد.

مادهٔ یکصدو پنجاه ونهم

مدت بعد ازنفاذ این قانون اساسي تا تاریخ افتتاح شوراي ملي، دورهٔ انتقال شمرده مي شود.

دولت انتقالي اسلامي افغانستان، در دورهٔ انتقال، وظایف ذیل را انجام مي دهد:

۵. اصدارفرامین تقنیني مربوط به انتخابات ریاست جمهوري، شوراي ملي و شوراهاي محلي در مدت شش ماه؛

۶. اصدار فرامین در مورد تشکیلات وصلاحیت محاکم وآغاز کار روي قانون تشکیلات اساسي درخلال مدت کمتر از یکسال؛

۷. تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات؛

۸. انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایي وقضایي؛

۵- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه براي تطبیق احکام این قانون اساسي.

مادهٔ یکصد و شصتم

اولین رئیس جمهور منتخب، سي روز بعداز اعلام نتایج انتخابات، مطابق به احکام این قانون اساسي به کار آغاز مي کند.

کوشش همه جانبه صورت مي گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور وشوراي ملي با هم در یک وقت صورت بگیرد.

صلاحیت هاي شوراي ملي مندرج دراین قانون اساسي تا زمان تأسیس

این شورا به حکومت تفویض مي شود وستره محکمهٔ مؤقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل مي گردد.

مادهٔ یکصدوشصت ویکم

شوراي ملي، وظایف و صلاحیت هاي خود را به مجرد تأسیس، مطابق به احکام این قانون اساسي، اعمال مي کند.

بعداز دایر شدن اولین جلسهٔ شوراي ملي، در خلال مدت سي روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسي تشکیل مي گردند.

رئیس دولت انتقالي اسلامي افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغازکند اجراي وظیفه مي نماید.

ارگانهاي اجرایي وقضایي دولت با رعایت حکم فقرهٔ چهارم مادهٔ یکصدوپنجاه ونهم این قانون اساسي، الي تشکیل حکومت و سعتره محکمه به وظایف خود ادامه مي دهند.

فرامین تقنیني که از آغاز دورهٔ مؤقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسهٔ شوراي ملی ارجاع مي گردند.

این فرامین تا زماني که از طرف شوراي ملي لغو نگردیده باشند نافذ مي باشند.

مادهٔ یکصدوشصت ودوم

این قانون اساسي از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ وازطرف رئیس دولت انتقالي اسلامي افغانستان توشیح و اعلام مي گردد.

با نفاذ این قانون اساسي، قوانین و فرامین تقنیني مغایر احکام آن ملغي مي باشد.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال دوم | شماره ۳۱ | چهارشنبه ۸ دلو ۱۳۸۲ | ۶ذوالحجة ۱۴۲٤ - | 28 January 2004

احکام ومسائل ...

و حضرت هابیل ارادتمندانه بهترین وزیبا ترین گوسفندخویش را به بارگاه الهی قربان کرد، اما قابیل قسمتی از گندم ناسرهٔ خود را به مثابهٔ قربانی به پیشگاه معبود پیشکش نمود، ودر نتیجه قربانی هابیل قبول و قربانی قابیل رد گردید. قرآن داستان آنان را این گونه به تصویر کشیده است: (واتل علیهم نبأ بنی آدم بالحق إذقربا قرباناً فتقبل من أحد هما ولم یتقبل من الآخر...)

"وبخوان برایشان داستان -دو-فرزند ادم را به راستی، چون پیش کردند قربانی را، پس از یکی آن ها قبول و از دیگری رد گردید...."

بزرگ ترین قربانی

بزرگ ترین قربانی را در تاریخ انسان حضرت ابراهیم بت شکن -که همانا ذبح فرزندش اسماعیل باشد- به بارگاه پروردگارش تقدیم کرد. و خداوند مهربان با ارسال فدیه یی از بهشت جان آن فرزند عزیز را نجات داد، و امروزه که در هر نقطه یی از جهان اسلام منظرهٔ زیبای ذبح حیوانات به حیث قربانی مشاهده می شود، در واقع فدیهٔ اسماعیل است که پرداخته می شود، و هر مسلمانی با ذبح اشتر، گاو ویا گوسفندی مراتب عشق و از خود گذری خویش در راه خدا را به نمایش می نشیند.

قربانی حکمی واجب وفراگیر

هرچند، جای اصلی قربانی مکهٔ مکرمه است و سالانه صدها هزار حاجی مسلمان در آن مکان مقدس صدها هزار حیوان را به بارگاه خداوند شان قربانی می کنند و این عمل نیکو یکی از مناسک حج قرار گرفته است، اما از آنجایی که رحمت الهی عام وفراگیر است و برای این که سایر مسلمانانی که توانایی حج کردن ندارند، از این نعمت بزرگ محروم نشده باشند، دین مقدس اسلام حکم قربانی را عام نموده و هر مسلمانی که توان مالی داشته باشد، بایستی در روز دهم ذوالحجه پس از ادای نماز عید اضحی قربانی نماید. وکسی که با وجود داشتن استطاعت مالی از این امر خود داری ورزد، در حقیقت از امری واجب سر پیچیده است: چنان که پیامبر فرموده است: "شخصی که با وجود وسعت -مالی- قربانی نکند، به عیدگاه ما نزدیک نشود."

فضیلت قربانی

با توجه به اهمیت وابعاد تاریخی قربانی، این عمل پسندیده از دیدگاه اسلام دارای فضیلتی بزرگ وارزشی والا است چنان که حضرت رسول اکرم در این زمینه می فرماید: "هیچ عملی نزد خداوند در روز نحر -دهم ذوالحجه- نیکوتر از ریختن خون قربانی نیست..."

در جایی دیگر خطاب به فاطمه می گوید: "ای فاطمه! برخیز و در کنار قربانی خویش ایستاده شو؛ زیرا هر قطره یی از خون آن، که به زمین بریزد، خداوند در برابر آن گناهان گذشتهٔ ترا عفو خواهد کرد.

فاطمه پرسید: آیا این مژده تنها برای ما اهل بیت است، یا برای تمام امت؟ پیغمبر فرمود: هم برای اهل بیت ما و هم برای تمام امت."

عمل مسنون برای قربانی کننده

مولانا محمد یوسف اصلاحی یکی از دانشمندان مسلمان و معاصر در ذیل عنوان فوق می نویسد: شخصی که ارادهٔ قربانی دارد، با دیدن هلال ذوالحجه، موی هیچ قسمتی از بدن خویش را نه بتراشد و نه کوتاه کند و ناخن های خویش را نیز نگیرد. و پس از آن که قربانی را ذبح کرد، موی و ناخن خود را اصلاح نماید.

برای کسی که توانایی قربانی ندارد، نیز بهتر است که در روز قربانی، موی وناخن خویش را اصلاح کند وعانه -موی زیر ناف- خود را نیز بتراشد؛ چه این کار وی نزد خداوند به مثابهٔ قربانی محسوب می شود. طوری که پیامبر در پاسخ مردی که از وی پرسید: اگر نزد من بزی باشد که آن را به قصد شیر دادن کسی برایم داده باشد، آیا آن را قربانی کنم؟ فرمود: نه آن را قربانی نکن، بلکه در روز نحر- دهم ذوالحجه- موی خویش را اصلاح کن، ناخن هایت را بگیر و عانه ات را حلق نما، با این کار قربانی تو نزد خدا تکمیل می گردد.

حیوانات قربانی

حیواناتی که قربانی آن ها جایز می باشد عبارتند از:

شتر، گاو، گاومیش، بز، وگوسفند.

گفتنی است که بز و گوسفند را صرف یک نفر می تواند قربانی کند اما در گاو، گاومیش و شتر هفت نفر می توانند شریک شوند، به شرطی که سهم هر یک از شرکا ۱/۷ حصهٔ کامل باشد و هر یک از آنان باید نیت قربانی و عقیقه را داشته باشند، در صورت عدم تحقق این دو شرط، قربانی درست نمی باشد.

عمر حیوانات قربانی

شتر باید پنجساله باشد. گاو و گاومیش باید دو ساله باشد. گوسفند و بز از یکساله باید کمتر نباشد. البته چوچه گوسفند شش ماهه که از لحاظ جسامت به اندازهٔ یکساله باشد، از این حکم مستثنی است و قربان کردن آن روا می باشد.

ویژگی های حیوانات قربانی

حیوانی که قربانی کرده می شود باید از عیوب ذیل مبرا باشد:

۱-کور نباشد. ۲-شاخ آن از بیخ به گونه یی نشکسته باشد که حیوان را متضرر ساخته باشد. ۳-پای حیوان نباید قسمی لنگ باشد که آن را به زمین گذاشته نتواند. ۴- دست، پای وسایر اعضای آن قطع نباشد. ۵- خیلی لاغر نباشد.

وقت قربانی

روز های مشخص قربانی عبارت است از: دهم، یازدهم و دوازدهم ذوالحجه ویا به سخن دیگر روزهای قربانی، روز اول، دوم وسوم عید اضحی می باشد. البته قربانی کردن در روز اول عید اضحی نسبت به دوم و سوم آن از فضیلتی ویژه برخوردار می باشد.

شروط قربانی

برای وجوب قربانی فقهای مسلمان شرایط زیر را مد نظر قرار داده اند:

۱- غنی بودن، شخصی که قربانی می کند باید دو صد در هم اضافه از نیاز مندی خود داشته باشد که این مبلغ در نصاب زکات نیز شرط است، و یا اجناسی رادارا باشد که قیمت آن مبلغ مذکور را پوره کند.

۲- مسلمان بودن. ۳- اقامت در وطن یعنی بر مسافر قربانی واجب نیست.

قربانی از سوی مردگان و اقارب

اگر کسی توانایی مالی داشته باشد و بخواهد از جانب پدر، مادر، مادرکلان، پدر کلان وسایر اقارب خویش در حالت مرگ ویا زندگی آنان قربانی کند، کاری است پسندیده وپاداش آن برایش داده خواهد شد. همچنان قربانی از طرف پیامبر وازواج مطهرات موجب خوشبختی وسعادت می باشد.

مسائل متفرق

* از حیوان قربانی بدون ضرورت نباید استفاده شود. یعنی در سواری و باربری از آن کار گرفته نشود.

* در وقت قربانی، فقط نیت قلبی کفایت می کند، اما خواندن دعا به زبان بهتر است.

* تقسیم گوشت قربانی به سه حصه و سپس توزیع یک حصهٔ آن بر فقرا ومساکین مستحب است.

در وقت ذبح حیوان کارد ویا چاقویی که توسط آن ذبح صورت می گیرد باید تیز باشد.

* حیوان در وقت ذبح روی به قبله خوابانده شود، و این دعا را نیز کسی که ذبح می کند باید بخواند: (اللهم تقبله منی، کما تقبلت من حبیبک محمد وخلیلک إبراهیم).

* اگر در گاو، گاومیش و شتر چند نفر شریک باشند تنها باید گوشت را تقسیم نکنند، بلکه سر، پای، گرده، دل و جگر وسایر اعضای آن را شامل تقسیم هفت حصهٔ مساوی نمایند.

* اجورهٔ قصاب ویاکسی که برای این کار استخدام می شود، نباید از گوشت و پوست قربانی اعطا گردد.

* دادن گوشت قربانی به غیر مسلمان جایز است، اما دادن آن در بدل مزد ناروا می باشد.

* پوست قربانی را هم می توان به فقیری داد وهم می توان آن را فروخت و پول آن را صدقه داد.

* شخصی که قربانی بروی واجب است الزاماً باید قربانی کند. وکسی که قربانی بر اوواجب نیست، اما با قربانی نمودن به مشکلی روبه رو نمی شود، بهتر است که قربانی کند.

مراجع:
- الفقه الاسلامی وادلته.
- الإختیار فی الفقه.
- نور الإیضاح.
- فقه آسان.

امتحان کانکور ملغی اعلان شد

امتحان کانکور فارغان صنوف دوازدهم حوزه های کابل، پروان کاپیسا، لوگر؛ گردیز، ومیدان وردگ ملغی اعلان شد

بنابراعلانات مکرر رادیو و تلویزیون کابل امتحان در ۲۴ حوزهٔ افغانستان برگزارگردید. در این امتحان۲۶ هزارتن از فارغان اعم ازدختران وپسران شرکت کرده بودند. اماچند ساعت بعد از ختم امتحان کانکور، نتایج امتحان دانشجویان ولایات کابل، پروان کاپیسا، لوگر، غزنی، میدان وردگ وگردیزازطرف وزارت تحصیلات عالی باطل اعلان گردید. بنابرگزارش تلویزیون کابل امتحان اخذ شده درنواحی فوق فاقد اعتبار خوانده شد ودلیل آن افشاگردیدن کلید حل سوالات قبل از اخذ امتحان قلمداد گردید.که سوالات امتحان نباید روزهاقبل بلکه چند ساعت قبل ازامتحان تثبیت وبه چاپ برسد.

برای اولین باردر حدود شش،هفت تن از شاگردان درصحنهٔ امتحان توسط استادممیزهمراه باکلید حل سوالات دستگیرمی شود، یکی از شاگردان دستگیر شده گفته است که وی کلید حل سوالات رادربدل پول به دست آورده است.گفته می شودکه یکی ازاستادان دانشکدهٔ انجینیری نیز گفته است که برخی از شاگردان سوالات کانکور راقبل ازاخذ امتحان با وی درمیان می گذاشتند.

قرار خبر امتحان کانکوردر ماه جدی باید اخذ می شد ولی نظر به بعضی ازشایعات این امتحان به دلیل مورد دستبرد قرار گرفتن سوال های آن به تعویق انداخته شد.ولی کمیسیون موظف بدون هیچ گونه تغییری به کارش ادامه داد در حالی که این مساله باید مورد بازپرس قرارمی گرفت و عاملان آن مجازات می شدند.

همچنان گفته می شود که برخی از اعضای این کمیسیون راکسانی تشکیل میدهند که درگذشته به اختلاس مالی متهم شده ومدتی رابه این جرم در محبس گذرانیده اند. وزارت تحصیلات عالی ناگزیرشد دراثراین حادثه، امتحان کانکور را در کابل واطراف آن ملغی اعلان کند:چون به هیچ شکلی نمی توانستند این افتضاح راپنهان کنند.

از جانب دیگر سال قبل اوراق سوالات کانکور در خارج از کشوربه چاپ رسیده بود و امسال این اوراق دریکی از مؤسسات در داخل به چاپ رسیده است که به شکوک در این حادثه می افزاید.

هیأت رهبری وزارت تحصیلات عالی درحالی که تاثر خود از این رخداد را ابراز داشت. کرد علاوه نمود:

ما تمام مساعی را به خرج دادیم تا اوراق کانکور فارغ التحصیلان صنوف دوازدهم جهت شمول در دانشگاه و مؤسسات تحصیلی را با دقت و محرمیت لازم آماده ساختیم وبا قاطعیت اطمینان داشتیم که امتحان در ۲۴ حوزهٔ معین کابل وولایات افغانستان با امانتداری وبدون ایجاد اخلال برگزار می گردد. اما با تأسف باید گفت: در جریان امتحانات در مؤسسات تحصیلات عالی کابل توسط استادان ممتحن وهیأت نظارت کمیتهٔ کانکور وزارت تحصیلات عالی، اوراقی به دست آمد که احتمالاً دو روز قبل از امتحان توسط افراد خرابکار افشا و به شکل غیر مشروع به دسترس بعضی از جوانان در مقابل پول قرار داده شده بود.

منابع مؤثق وزارت تحصیلات عالی می گویند: با ابراز معذرت از جوانان امتحان کانکور حوزه های کابل، لوگر، پروان کاپیسا، میدان وردگ،غزنی وگردیز لغو می باشد وامتحان جدیدرابخاطر تامین حقوق شاگردان ساعی، لایق و ممتاز کشور در آیندهٔ قریب برگزار خواهیم کرد.

گزارشگر:ملکیار

قدرت ته درسیدو لار دخلکو ملاتړ ...

هر واکمن او چارواکي دي خپل ځان دخلکو باداړ نه، بلکي دخلکو خدمتګار وبولي او چاته دي اجازه ورنه کړي شي چي له خپل قدرت او وسله وال دریځ څخه دخلکو او دهیواد دلوړو ګټو پرخلاف کار واخلي، دقانون او قانونیت بشپړه درناوي دي وشي او دهیواد دبیا ودانولو پر مختګ او ترقي چاري دي ګړندي کړي شي.

دغه راز په دي تاریخي مرکه کي استاد رباني د اوسني اساسي قانون په ملاتړ ووېل دغه قانون که څیني ملاحظات او نیمګړتیاوي هم ولري له بي قانوني څخه ښه دي. اوس موږ په خپل ملک کي امنیت ته ضرورت لرو سیاسي ثبات غواړو، وروړګلوي او اخوت غواړو باید کوشش وکړو چي دنوي اساسي قانون دتطبیق له پاره ذهنیتونه چمتو کړو او په دي برخه کي همکاري وکړو.

دوي په خپله مرکه کي دي ته هم اشاره وکړه چي اسلام اصلاً له دیموکراسي سره مخالفت نه لري څکه دیموکراسي دخلکو حکومت. دخلکو په واسطه او دخلکو له پاره دي چي دامفهوم له اسلام سره هیڅ ډول ضدیت نه لري بلکي داسلام دسیاسي نظام یوه برخه ګڼل کیږي. هغه اصول چي دعدالت دتطبیق مفهوم په کي شامل وي ددین او اسلام له نظره ورسره ستونزه نه لرو خو له دغه نظام نه دڅینو خلکو تعبیرونه بیا سل په سلوکي زموږ دخلکو له غوښتنو سره سمون نه لري او موږ باید له دیموکراسي نه مثبت او ملي برداشت ولرو.

محترم استاد رباني په خپله دي مرکه کي خلکو، پارلمان او قانونیت ته ددرنښت په څنګ کي دخلکو په ملي یووالي هم ټینګار وکړ زیاته ئي کړه ملي وحدت زموږ یو مقدس هدف دي ټول باید هلي ځلي وکړو چي دا مساله یواځي په شعار او الفاضو کي خلاصه نشي. باید عملي بڼه پیدا کړي، دا ډیره ضروري خبره ده او زه باور لرم چي زموږ خلک که په خپل حال پرېښودل شي، دوي له ملي وحدت سره ډیره مینه او محبت لري. دغه راز دوي خپل تنظیم یو سیاسي - فرهنګي تنظیم وباله او زیاته ئي کړه چي موږ حاضر یوو خپلي وسلي ددفاع وزارت ته ورکړو او موږ به له دي وروسته یواځي سیاسي- فرهنګي تنظیم ولرو او دا زموږ پخواني دریځ دي چي اوس ورته بیرته راګرځو او دوسلو او وسله والو فعالیتونو ضرورت نه وینو.

موږ داستاد اوسني مرکه دهغوي دهغه مثبت او ملي دریځ څرګندویه بولو چي تل ئي په خپل سیاسي ژوند کي دهغه پلوي کړي او تل ئي دقانونیت له لاري دهر ډول بي ثباتي او ناارامي، دله منځه وړلو ننګه او ملاتړ کړي. موږ هیله من یوو چي ددوي ددغه راز نیک نظر او مثبتي کړنلاري په رڼا کي دهیواد دسوکالي او پرمختګ له پاره لازه اداره شي او موږ دیو با ثباته او قانونمند نظم خاوندان شوو